

بهروز سورن: چاله ای که آمریکا و صدایش برای بخشی از زندانیان سیاسی سابق در خارج از کشور کند!



انسان جایز الخطاست و انسانها در مراحل از زندگیشان اشتباهاتی را مرتکب می شوند که خود خواسته نبوده و متأثر از شرایط بوده است اما امضای چنین متنی توسط بخشی از زندانیان سیاسی اسبق که دنیائی از تجربه را با خود حمل میکنند و جلوه و آئینه تاریخ خونین دو نظام هستند تنها میتواند یک پیام در بر داشته باشد. پیامی ناگوار برای نسل جدید سازش ناپذیر و تحول خواه که این طیف نیز به مرور زمان و با گذشت سالها و دهه ها به نوعی ناامیدی از پائینی ها غلطیده اند. آنرا با واقع بینی! طاق زده اند و امر جایگزینی و انقلاب از پائین را بعهدہ توانگر ها!! و قدرت نظامیشان واگذاشته اند

.....

چندی پیش پرویز ثابتی شکنجه گر و مامور امنیتی! دوران پهلوی سابق از مخفیگاه خود در دل امپریالیسم بیرون آمد و در مصاحبه ای با صدای آمریکا منکر شکنجه و نقش خود در سرکوب های داخل و خارج زندانهای آن دوران شد. موج مخالفت ها در رسانه ها بالا گرفت و بسیاری به این حضور نقد و ایراد گرفتند. جوهره نقد اغلب نویسندگان به این بود که:

چرا بلندگوی صدای آمریکا که در داخل ایران دهها هزار شنونده دارد در اختیار این فرد انسان ستیز و در ابعادی تبلیغاتی برای بازماندگانشان از جمله رضا پهلوی و آهی و غیره قرار گرفته است.

صدای آمریکا بر اساس چه ملاحظاتی یکباره این فرد غایب و مخفی شده را به بازار بی در و پیکر سیاست و بخصوص به سفره زندانیان سیاسی دوران پهلوی عرضه کرده است؟

آیا این ظهور نا بجا ارتباطی با وضعیت فوق العاده کنونی بلحاظ سیاسی و احتمال وقوع جنگی خانمانسوز که قربانیان اولین و آخرین آن مردم ستمزده کشورمان هستند، دارد؟

آیا این نمایش آغاز سیاست نوین کشورهای امپریالیستی برای ایجاد آلترناتیو با حضور سرسپردگان دوران شاهنشاهی! در خارج کشور و اصلاح طلبان در داخل و دنیاله های آنان است.

تعارف را کنار بگذاریم! سفسطه هم نکنیم!

صدای آمریکا، صدای آمریکا و وابستگانش است.

صدای آمریکا منابع تامین مالی از میان دوستدارانش و سیاستگذارانش دارد و جیره خوار آنان است.

صدای آمریکا نه صدای مردم ایران است و نه صدای زندانیان سیاسی آن دوران که تحت شدیدترین شکنجه ها قرار گرفته اند.

نه صدای امریکا و نه بی بی سی فارسی و نه رادیو فردا و هم قماشان نشان دست کسانی که به آنها پول و بودجه میدهند گاز نمیگیرند و در مجموع برای رضای خدا! بلندگوی خود را در اختیار اپوزیسیون تحول خواه بلحاظ بنیادی قرار نمی دهند. چنانچه نیز بطور موردی اینکار را بکنند برای جلب وجهه و ایجاد شبهه است که بگویند ما مستقل هستیم حال آنکه تا خرخره آلوده به دلار و پوند هستند. (در متنی مستقل به چگونگی وابستگی و تاثیر این رسانه ها اشاره میکنم)

در همین ارتباط نامه ای منتشر شده است که اسامی بیش از دو صد زندانی سیاسی سابق را میتوان در آن مشاهده کرد. این نامه ضمن اعتراض به این اقدام صدای امریکا خواستار در اختیار گرفتن متقابل بلندگوی صدای امریکا برای اشاره به سوابق ناپاک پرویز ثابتی شکنجه گر شده است. بدین منوال این طیف امضا کننده مطلب درخواستی از صدای امریکا، که صدای آمریکا و اعوان و انصارش است خواهش داشته اند که شرایط قرار گرفتن خود را در ترازوی که آنطرف آن پرویز ثابتی قاتل و شکنجه گر است، صدای آمریکا در اختیارشان بگذارند!

این موضوع که پرونده جناب ثابتی شکنجه گر سیستم پلیسی دیکتاتوری پهلوی هنوز باز است و بسیاری از قربانیان آن دوران چشم انتظار دادگاهی و محاکمه شدن او هستند در این دعوی سیاسی گم شده است. بحث این است که چرا صدای امریکا که صدای آمریکاست به سستشوی جنایات این فرد پرداخته است. نکته این است که چه شد که زندانیان سیاسی سابق بدنبال توپ صدای آمریکا روانه شده اند؟ چرا خود را در ترازوی عدالت؟؟ این رسانه آمریکائی قرار میدهند؟

با ملاحظه اسامی و کمی شناخت از اپوزیسیون در خارج از کشور میتوان دریافت که بخش بزرگی از آنان تعلق به جریاناتی دارند که بمرور زمان از عیار مبارزاتی آنان کاسته شده (چنانچه داشته اند) و در پس نا امیدی نسبت به پائینی ها بدنبال متحد در میان حکومتیان سرگردانند. همانها که با همزمان ثابتی در مرکز اولاف پالمه مخفیانه و در پستو نشستند و یا آن بخش بیرون مانده که شرکت کنندگان را بدرقه و از زیر (قران) گذرانند.

گفتگو از سازمان اکثریت و طیف اتحاد جمهوریخواهان است که با پهلوی چی ها و سازگارا ها مدتهاست هم پیاله اند. گفتگو از خود زنی نهانی سازمان اکثریت است که مزروعی را به مراسم سیاهکل برای سخنرانی دعوت میکند و فرش قرمز زیر پایش میاندازد. هم آنها که رویای حمله نظامی به کشورمان را دارند و سودای سواری بر موج تحولات سیاسی آتی را در مخیله خود میگذرانند.

انسان جایز الخطاست و انسانها در مراحل از زندگی شان اشتباهاتی را مرتکب می شوند که خود خواسته نبوده و متأثر از شرایط بوده است اما امضای چنین متنی توسط بخشی از زندانیان سیاسی اسبق که دنیائی از تجربه را با خود حمل میکنند و جلوه و آئینه تاریخ خونین دو نظام هستند تنها میتواند یک پیام در بر داشته باشد. پیامی ناگوار برای نسل جدید سازش ناپذیر و تحول خواه که این طیف نیز به مرور زمان و با گذشت سالها و دهه ها به نوعی نا امیدی از پائینی ها غلطیده اند. آنرا با واقع بینی! طاق زده اند و امر جایگزینی و انقلاب از پائین را بعهده توانگر ها!! و قدرت نظامیشان واگذاشته اند.

این نکته قابل تعمق است!

متن کامل را در این آدرس بخوانید

<http://www.asre-nou.net/php/view.php?objnr=19651>